



Masahif of cities from perspective of shia and sunni scholars*

Abrar Hussein^۱

Muhammad Reza Shahidipour^۲

Karim Parchebaf Dowlaty^۳

Abstract

Recitations [qira'at] and description [rasm] is one of the most important topics in Quranic sciences that can be studied from angles. To properly understand these two areas, expressing their relationship and interaction with emphasizing Ibn Jazari's viewpoint, who has a special role in these two sciences, can lead to new outputs concerning this issue. The research method of this article is descriptive-analytical and critical using the written sources of this science. In this article, by presenting the viewpoint of Ibn Jazari, who considers both the sciences of "recitations [qira'at]" and "description [rasm]" as strict [tawqifi] and revelatory, the subject has been studied. Unlike the scholars of previous periods, such as Farra' and Ibn Mujahid, Ibn Jazari, by proposing the view of possible and hypothetical agreement, has introduced all the ten famous recitations [qira'at] as compatible with the criterion of agreeing with the Quranic description [rasm]. From his time (ninth century AH) until today, this view has been considered. However, from the Shia point of view, Ibn Jazari's view has problem same as the results of its also lead to some problems. One of the problems is that, with the condition of possible agreement, weak and irregular recitations [qira'at] can also be included in the correct recitations [qira'at], or at least create such suspicion for some. At the same time, the harmony and agreement of the recitation [qira't] with the decription [rasm] of the Qur'an should undoubtedly be considered as one of the criteria for correct recitation [qira't]. Another result of this study is that in the areas where certain recitations [qira'at] were prevalent, the Qurans were also written based on those recitations [qira'at], and in practice, the practical effect of the recitations [qira'at] on description [rasm] will be visible.

Keywords Quran, recitations, Rasm al-Mushaf, Mushaf al-Amsar, Ibn Jazri, ten recitations.

*. Date of receiving: ۲۳, February , ۲۰۲۱, Date of approval: ۱۶, May , ۲۰۲۱.

۱. Student of Level Four, Discipline of The Sciences of Arts and Qira'at (Corresponding Author)

abrarh۰۷۲@gmail.com

۲- The assistant of Al-Mustafa international university, mohmadreza.shahidi@gmail.com

۳ - Faculty member of Quranic Studies Research Borhan Group , kdowlati@gmail.com



مصاحف امصار در دیدگاه دانشمندان فریقین^{*} ابرار حسین گلگتی^۱ - محمدرضا شهیدی پور^۲ - کریم پارچه باف دولتی^۳

چکیده

قرائات و رسم از مهمترین موضوعات علوم قرآنی است که از زوایای مختلفی قابل بررسی است. برای شناخت صحیح این دو حوزه، بیان رابطه و تأثیر متقابل آن‌ها با تأکید بر دیدگاه ابن جزری که نقش ویژه‌ای در این دو علم دارد، رهیافت‌هایی جدیدی از این موضوع در پی خواهد داشت. روش تحقیق این مقاله، با استفاده از منابع مکتوب این علم، توصیفی - تحلیلی و انتقادی است. با ارائه دیدگاه ابن جزری که هر دو علم «قراءات» و «رسم المصحف» را توفیقی و وحیانی می‌داند، به بررسی موضوع پرداخته شده است. ابن جزری برخلاف دانشمندان دوره‌های پیش از خود، همانند فراء و ابن مجاهد، با طرح دیدگاه موافقت احتمالی و تقدیری، تمامی قراءات عشره و معروف را با معیار موافقت رسم المصحف سازگار معرفی کرده است. از دوره وی (قرن نهم هجری قمری) تا امروز، این دیدگاه مورد توجه بوده است. هرچند از نظر شیعه، دیدگاه ابن جزری دارای اشکال است؛ نتایج آن نیز مشکلاتی را به دنبال دارد. از جمله این اشکالات، آن است که با شرط موافقت احتمالی، قراءات شاذ و ضعیف نیز می‌توانند در بین قراءات صحیح قرار بگیرند، یا حداقل برای برخی چنین شبهه‌ای را ایجاد کنند. در عین حال، هماهنگی و موافقت قرائت با رسم المصحف را بدون شک باید یکی از معیارهای قرائت صحیح دانست. از دیگر نتایج این بررسی، آن است که در مناطقی که قراءات خاصی در آن رواج داشته، مصاحف نیز بر اساس آن قراءات نوشته می‌شده است و عملاً تأثیر عملی قراءات بر رسم قابل مشاهده خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: قرآن، قراءات، رسم المصحف، مصاحف امصار، ابن جزری، قراءات عشره.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۵ و تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۶.

^۱ - دانشجوی سطح چهار علوم و فنون قراءات جامعه المصطفی العالمية (پاکستان) (نویسنده مسئول): abrarh0۷۲@gmail.com

^۲ - استادیار جامعه المصطفی العالمية: mohmadreza.shahidi@gmail.com

^۳ - عضو هیئت علمی گروه پژوهشی مطالعات قرآنی برهان؛ ایمیل: kdowlati@gmail.com

مقدمه

یکی از دانشمندان قرآنی در قرون هشتم و نهم، محمد بن محمد الجزری است که از بررسی دیدگاه او در تألیفاتش به خصوص در کتاب «النشر فی القرائات العشر»، تعمق او در علوم مختلف از جمله قرائات و رسم المصحف قابل دریافت است. در این نوشتار پس از بیان مختصر زندگی نامه این دانشمند و آثارش به اجمال دیدگاه ابن جزری و دیگر دانشمندان در رسم المصحف و قرائات مطرح گردیده است. در ادامه نمونه هایی از تأثیر قرائات بر مصاحف امصار و وضعیت قرائت مردم مناطق مختلف از خلال کتب ابن جزری و دانشمندان دیگر بررسی شده است. آنگاه موضوع تأثیر قرائات بر مصاحف امصار به طور ویژه در جدولی ارائه و جمع بندی می شود تا در نهایت به دیدگاه تأثیر قرائات بر مصاحف امصار قرائت دست یابیم.

الف. مفهوم شناسی

۱. قرائات

قرائات در لغت

کلمه «قرائت» جمعش قرائات و مصدرش «الْقِرَاءَةُ» است. فراهیدی می نویسد: قرآن را «مقروء» و این فعل و عمل قاری را «تَقَرَّی» و قرائات را از ویژگی های قاری می داند (فراهیدی، کتاب العین، ۱۴۰۹: ۲۰۴/۵-۲۰۵). قرآن را قرآن نامیده اند، چون قاری آنچه در آن است را آشکار و واضح می کند (صاحب ابن عباد، المحيط فی اللغة، ۱۴۱۴: ۹/۶ و ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۷۸/۱۱). قرائت به معنای گردهم آمدن و آشکار شدن است (ابن الاثیر، النهاية فی غریب الحديث و الاثر، ۱۳۸۷: ۳۰/۴)؛ قرائت به معنای ضمیمه و پیوستن حروف و کلمات به هم دیگر است (راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ۱۴۱۲: ۶۶۸)؛ پس ریشه اصلی لفظ قرائت «قرأ» است و به معانی مختلفی آمده است مانند: گردآوردن، جمع نمودن، خواندن، ابلاغ و رساندن است.

قرائات در اصطلاح

زرکشی (متوفی ۷۹۴ ق) که حدود ۳۹ قبل از ابن جزری از دنیا رفته است، می نویسد: «قرائات، عبارت از اختلاف مربوط به الفاظ و عبارات وحی است که این اختلاف، در مورد حروف و کلمات قرآن و کیفیت آن ها از قبیل تخفیف و تثقیل (تشدید) و مانند آن از طرف قراء نقل شده است.»



زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۴۱۰: ۳۱۸/۱. در تعریف زرکشی، قرائات منحصر به الفاظ قرآن که در آن الفاظ اختلاف واقع شود، ولی برخی دیگر از علماء در تعریف قرائات دایره قرائات را وسعت می دهند، بلکه الفاظ قرآن که در آن اتفاق است (متفق علیه بین القراء) را نیز شامل می کنند (دمیاطی، اتحاف فضلاء البشر فی القراءات الأربعة عشر، ۱۴۲۲: ۳۱-۷۲-۷۴).

ابن جزری می گوید: «القراءات علم بکیفیه أداء کلمات القرآن واختلافها معزوا لناقلة»؛ علم قرائات، علمی است که در آن کیفیت تلفظ و ادای کلمات «قرآن» و اختلاف این کیفیت است، اختلافی که به ناقل و راوی آن منسوب است.» (ابن جزری، منجد المقرئین و مرشد الطالبین، ۱۳۵۰: ۳). در مقابل زرکشی، ابن جزری به دایره قرائات وسعت داده است، علم به کیفیت تلفظ و ادای کلمات «قرآن» و اختلاف در آن را به ناقل و راوی آن منسوب می کند. با قید «معزوا لناقلة» علم نحو، علم لغت، علم تفسیر همانند این علوم خارج شدند. در قرائات صرف شنیدن و سماع لفظ از شیخ اکتفا نمی کنند، اگرچه در حدیث اکتفا می کنند، چون در قرائات، مقصد کیفیت أداء و تلفظ است و این گونه نیست که کسی از شیخ هرچه از الفاظ بشنود، قادر به تلفظ و اداء هم باشد (ابن جزری، النشر فی القراءات العشر، بی تا: ۲-۳۷). ابن جزری و دمیاطی در قرائت «نقل» و «سماع» را شرط نمودند، شاید به این دلیل که «قراءت سنتی است که از آن پیروی شده است» (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۱۹۶۷: ۷۵/۱)؛ در نتیجه از تعاریف مذکور این چنین استفاده می شود که علم قرائات متکفل بحث از کیفیت تلفظ الفاظ قرآن است که از طرف قاریان مشهور قرآن به ما رسیده است.

۲. رسم

رسم در لغت

لفظ «رسم» به معنای اثر و نشانه است و در معنای کتابت نیز کاربرد دارد. فراهیدی می گوید: رسم، یعنی اثر باقی مانده (فراهیدی، کتاب العین، ۱۴۰۹: ۷/۲۵۳). رسم به معنای نشانه و خط های پنهان هم گفته می شود (ابن اثیر، النهاية فی غریب الحديث و الأثر، ۱۳۸۷: ۲/۲۲۴)؛ و از همین معنی است، علامت ها و نشانه های دین و روش و راه های آن (زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ۱۴۱۴: ۱۶/۲۹۰)؛ و همچنین رسم به معنای اثر و نشانه غیر مرتفع از سطح زمین هم آمده است (فیروزآبادی، القاموس المحيط، ۱۴۱۵: ۱/۴). برخی دیگر معنای رسم را خط و نگارش گرفته اند (رازی، مختار الصحاح، ۱۴۲۰: ۲۲۳؛ جوهری، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، ۱۳۷۶: ۵/۱۹۳۲؛ صَبَّاح، سمیر الطالبین فی رسم وضبط الكتاب المبین، ۱۴۲۰: ۲۰)، پس در لغت کلمه رسم،

خط و کتابت عبارت شکل‌هایی‌اند که بر مفاهیم و معانی خاصی دلالت می‌کند.

رسم در اصطلاح

«رسم» یکی از اصطلاحاتی است که برای نگارش وضع شده است، در اصطلاح علمای این فن، رسم خطی است که توسط کاتبان وحی در زمان رسول خدا ﷺ کتابت و نگارش یافته است و یا به عبارت دیگر: «کتابت خاص قرآن کریم» است (ابن درستویه، کتاب الکتاب، ۱۳۹۷: ۱۶)؛ وقتی که رسم به خط، مصحف، کتاب یا به لفظ مُتَّبِع یا به عثمانی اضافه شود، مراد همان کتاب خداوند متعال است مانند «رسم المصحف» یا «الرسم العثماني» (زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۴۱۰: ۱۱/۲؛ مکی، الإبانة عن معانی القراءات، ۱۴۳۲: ۴۱).

برخی می‌نویسند: استعمال رسم المصحف برای هجای مصحف در دوره‌های بعدی و متأخر بوده است (ابوداود، مقدمة مختصر التبيين، ۱۴۲۱: ۳۱/۱؛ غانم قدوری حمد، رسم المصحف، ۱۴۲۵: ۱۵۶). این قول درست نیست، چون جوهری در کتاب لغت خود و دانی قبل از قرن پنجم هستند، این‌ها از متقدمانی هستند که رسم را به معنای کتابت نیز گرفته‌اند. از قرن چهارم به بعد این کلمه به صورت دو کلمه‌ای برای رسم المصحف اطلاق گردیده است.

۳. مصحف

مصحف در لغت

«صُحُف» جمع «صَحِيفَة» است. «مُصْحَف» جمع‌کننده صحیفه‌های نوشته شده بین دو جلد است (فراهیدی، کتاب العین، ۱۴۰۹: ۱۲۰/۳). مراد از «صَحِيفَة» کتاب است و جمع آن «صُحُف» و «صَحَائِف» است. در زبان عربی «مُصْحَف» و «مُصْحَف» نیز استفاده می‌کنند (جوهری، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، ۱۳۷۶: ۴/۱۳۸۴). «صَحِيفَة» به معنای گستره یک چیز مثل صحیفه وجه که در آن نوشته می‌شود، جمع آن «صَحَائِف» و «صُحُف» است. مراد از «مُصْحَف» چیزی است که جامع صُحُف نوشته شده باشد (راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ۱۴۱۲: ۴۷۶). از این رو لفظ مُصْحَف در زبان عربی به کتابی می‌گویند که میان دو جلد قرار گرفته باشد.

مُصْحَف در اصطلاح

بعد از رحلت رسول خدا ﷺ برای قرآن کریم اطلاق گردیده است (خرمشاهی، دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی، ۱۳۷۷: ۲/۲۰۶۵). از این رو برخی از صحابه قرآن‌هایی که داشتند به آن‌ها مصاحف گفته می‌شود.



ب. زندگی ابن جزری

محمد بن محمد بن محمد بن علی بن یوسف الجزری، لقبش شمس الدین و کنیه او ابوالخیر، الدمشقی، شیرازی الشافعی، در شهر دمشق به دنیا آمده است. ایشان در یکی از شهرهای ایران بنام شیراز بنا بر قول مشهور در سال ۸۳۳ ق از دنیا رفته است (ابن العماد عکری الحنبلی، شذرات الذهب فی أخبار من ذهب، ۱۴۰۶: ۵۰۳/۲)؛ در تاریخ ولادت او اختلاف است، در سال ۷۸۰ ق یا در سال ۷۵۱ ق در دمشق به دنیا آمده است (زبار عنیزان، منهج ابن الجزری فی اقتباس موارد فی کتابه، ۲۰۱۸: ۱-۲). تحصیلات مقدماتی خود را در شهر دمشق گذاردند، و در سیزده سالگی حافظ کل قرآن شدند، ایشان برای کسب بیشتر علم و دانش به شهرهای مختلف و کشورهای اسلامی متعددی، سفر نمود و از اساتید برجسته کسب دانش نمود در علوم زیادی ولی به ویژه علوم و فنون القرائات به اوج خود رسید و امام القرائات شد (ابن حجر عسقلانی، إنباء الغمر بأبناء العمر، ۱۳۸۹: ۵۸۱/۲ - ۵۸۲؛ ابن العماد عکری الحنبلی، شذرات الذهب فی أخبار من ذهب، ۱۴۰۶: ۶۷/۳؛ جزری، غایة النهایة فی طبقات القراء، ۱۴۲۹: ۲/۲۴۷).

تعداد آثار ابن جزری از نود کتاب فراتر رفته است (الحافظ، شیخ القراء الإمام ابن الجزری، ۱۴۱۶: ۲۳؛ شنیطی، منهج ابن الجزری فی کتاب النشر، ۱۴۲۱: ۷۵ - ۸۰). یکی از مهمترین آثار او «النشر فی القرائات العشر» درباره قرائات و رسم المصحف است. ابن جزری بعد از نگارش این کتاب که به «طیبة النشر» معروف شده بود، دانشمندان زیادی به شرح و بیان آن پرداخته‌اند (نویری، شرح طیبة النشر فی القرائات العشر، ۱۴۲۴: ۱۵/۱). علماء ابن جزری را در علوم قرآنی و قرائات یکی از برجسته‌ترین محققان، در طبقه اصحاب شیوخ خود به‌شمار آورده و امام قرائات معرفی می‌کند (ابن حجر عسقلانی، إنباء الغمر بأبناء العمر، ۱۳۸۹: ۱۰۶/۱)؛ همچنین او را شیخ قرائات و حدیث معرفی می‌کنند (سخاوی، الضوء اللامع لأهل القرن التاسع، ۱۴۱۲: ۲۵۵/۹؛ همو، الغایة فی شرح الهدایة فی علم الروایة، ۲۰۰۱: ۶۷/۱؛ شوکانی، البدر الطالع بمحاسن من بعد القرن السابع، ۱۴۲۹: ۲/۲۵۷)؛ همین‌طور کلمات دیگر علماء در ستایش ابن جزری آمده است که بیانگر مقام و جایگاه والای وی در این علوم است.

ج. تأثیر قرائات بر رسم مصحاف امصار با تأکید بر دیدگاه ابن جزری

یکی از مهمترین مسائل علوم قرآنی، بحث قرائات و رسم است که از زوایای مختلف قابل بررسی

است. برای آگاهی و شناخت صحیح از علم قرائات و بیان رابطه و تأثیر قرائات بر رسم المصحف بعد از توحید مصاحف بحث شده است. بعد از توحید مصاحف به خاطر حکم حرمت تبدیلی و تصرف در خط و کتابت قرآن و قائل به توقیفی بودن رسم الخط مصاحف شدند، باوجوداین در کتابت برخی حروف مصاحف شهرهای مختلف رسم الخط قرآن را طبق قرائات منطقه خودشان می‌نوشتند، ولی بعد از قرن چهارم هجری قمری تا حد زیادی این نظریه پابرجا و ثابت شد که نمی‌شود قرآن کریم را طبق قواعد رسم الاملاء نوشت، بلکه مثل زمان‌های سابق باید نوشته شود.

در این مقاله برخی از دیدگاه‌های علمای این فن و خصوصاً این جزری و نمونه‌های از وضعیت مصاحف بلاد شرق و غرب بحث شده است. بعد از توحید مصاحف در زمان خلیفه سوم در بین سال‌های ۲۵ تا ۳۰ هجری، اگرچه به‌طور واضح اثری از اختلاف قرائات در آن مصاحف دیده نمی‌شود، ولی باین حال عده‌ای از علماء قرون بعدی که شرط صحت قرائت را مطابقت با رسم المصحف ضروری دانسته‌اند و از طرفی در بین قرائات مشهور مواردی است که بین رسم المصحف و قرائات با یکدیگر مخالفت وجود دارد، مانند زیاده یا نقصان کلمه، عقیده برخی بر این است که این قرائات با مصاحف عثمانی مخالفت ندارند؛ چون این اختلافات به حکم خلیفه سوم در مصاحف نوشته شده و به شهرها فرستاده شدند تا اینکه قرائات صحیح نیز باقی بماند. اگر رسم المصحف به این کیفیت نبود، برخی از قرائات معروف از بین می‌رفتند. از این رو از قرآن مثال آوردند مانند: سوره قصص «و قال موسی» که در مصحف مکه بدون واو نوشته شده و در بقیه مصاحف با واو نوشته شده است. یا اینکه برخی حروف دیگر به گونه‌ای نوشته شوند که کلمه امکان قرائات مختلف را داشته باشد مانند: «یخضعون» در بقره بدون الف نوشته شده تا اینکه احتمال قرائت «یخادعون» با ألف، نیز داشته باشد، همان‌طور که در یاء‌های زانده است. در زمان عثمان اهل شام قرائت اُبی بن کعب را می‌خواندند و اهل کوفه قرائت عبدالله بن مسعود را قرائت می‌کردند و همین‌طور اهل هر شهری قرائت آن کسی را که در آنجا بود، قرائت می‌کردند (ابوداود، مختصر التبيين لهجاء التنزيل، ۱: ۱۴۲۱/۶؛ فضلی، القرائات القرآنیة، ۱۴۳۰: ۲۳). مهدوی نیز به این مطلب تصریح می‌کند و می‌گوید: عثمان و موافقان نظر او بر این باورند که در نسخه‌های مصحف شریف که نوشته شده و به تمامی بلاد اسلامی فرستاده شدند، اختلافاتی وجود دارد؛ زیرا اعتقاد داشتند که این اختلاف بر اساس اصل تنزیل قرآن است و به عبارتی سرمنشأ این اختلاف، در نزول قرآن بوده است؛ در نتیجه عثمان به این مطلب تصریح داشت، تا هر قومی بتواند بر اساس آنچه در مصحف خودش آمده است، قرائت کند



(ابوداود، همان: ۱۴۲۱: ۱/۱۲۱؛ فضلی، القرائات القرآنیة، ۱۴۳۰: ۲۳). اگر دیدگاه فوق درست باشد، پس باید پذیرفت، در هنگام توحید مصاحف که در سال ۲۵ تا ۳۰ هجری اختلاف قرائت در مصاحف داخل شده‌اند و در نتیجه باید قبول کرد که قرائت بر نگارش مصحف تأثیر گذاشته است، ولی بر این دیدگاه اشکال وارد می‌شود؛ چون برخی از کلمات به گونه‌ای نگارش یافته بود که تحمل قرائات مختلف را داشته باشند، مانند: «یخدعون» که حذف الف از ویژگی‌های خط عربی در آن روزگار بوده است، به خاطر همین در کلمات زیادی از رسم المصحف که در آن هیچ اختلافی در قرائات آن‌ها وجود ندارد، باز هم این حالت وجود دارد مانند: رحمن، سموت، اسمعیل و... .

قبل از توحید مصاحف، این اختلاف قرائات چگونه در آن مصاحف وجود خود را حفظ کرده بودند، به طور قطع از کیفیت تأثیر متقابل نمی‌توان حکمی نمود. این اختلاف در قرائات که بعدها به شکل اختلاف در رسم نیز مطرح گردید، بیشتر آن علمای قرون بعدی مدعی همچنین اختلافاتی بین رسم مصاحف عثمانی و قرائات شده‌اند، در هر صورت به هرا اندازه‌ای که باشد، بین رسم مصاحف و قرائات، ارتباط و تأثیر متقابلی بر یکدیگر وجود دارد، در ذیل با تأکید بر دیدگاه ابن جزری همراه با مثال‌های قرآنی مطرح گردیده است.

د. دیدگاه ابن جزری در قرائات و رسم المصحف

در بین دانشمندان این علم دو دیدگاه وجود دارد، یکی توقیفی بودن قرائات و رسم المصحف؛ و دیدگاه دیگر توقیفی نبودن آن است. اول: رسم قیاسی که به آن رسم املائی نیز می‌گویند، در این قسم تمام الفاظ همان گونه که تلفظ می‌شوند، نوشته می‌شوند؛ دوم: رسم توقیفی که به آن رسم اصطلاحی نیز می‌گویند.

در این قسم تمام الفاظ همان گونه که تلفظ می‌شوند، نوشته نمی‌شوند؛ چون برخی حروف نوشته می‌شوند، مانند: «تایسوا» و «وَجِئْ» که به صورت «تَبَسُّو»، و «جِئْ» خوانده می‌شوند. برخی حروف نیز نوشته نشده، مانند: «نُجِی»، «لِلْحَوَارِیْنَ» و «یَسْتَوْنَ»؛ اما به صورت «نُجِی»، «لِلْحَوَارِیِّیْنَ» و «یَسْتَوُونَ» خوانده می‌شوند. دیدگاه ابن جزری بر توقیفی بودن قرائات و رسم المصحف است. مارغنی می‌گوید: رسم توقیفی علمی است که به سبب آن اختلافات مصاحف عثمانی از رسم قیاسی شناخته می‌شود و به آن «رسم اصطلاحی» نیز گفته می‌شود، به خاطر اینکه اصطلاح و روش صحابه بوده است (مارغنی تونس، دلیل الحیران علی مورد الظمان، ۱۴۱۵: ۲۵). در نوشتن کلمات عربی

اصل این است که بین نوشته شده و تلفظ آن مطابقت باشد، در جاهای که بین مکتوب و ملفوظ مطابقت صد در صد رعایت نشده است، بعضی از دانشمندان به توجیه و تشریح آن پرداخته اند.

۱. توقیفی بودن رسم المصحف

ابن جزری می گوید: مخالفت رسم المصحف گ دیدگاه جمهور علماء است، جایز نیست (ابن جزری، النشر فی القراءات العشر، بی تا: ۱/ ۳۸). استدلال پیروان این دیدگاه عبارت است از اینکه برای رسول خدا ﷺ کاتبان وحی بودند که در محضر ایشان با تأیید ایشان به این نحو کتابت نمودند، در آن زمان به همین کتابت گذشت و در آن تغییر و تبدیلی ایجاد نشد (زرقانی، مناهل العرفان، ۱۹۴۳: ۳۷۷/۱-۳۷۹)؛ بنابراین بعد از زمان آن حضرت نیز نباید تغییری ایجاد شود. مدعیان این دیدگاه گرچه دلیل های زیادی را آورده اند (فرماوی، رسم المصحف، ۱۳۹۷: ۲۳- ۴۰)، ولی اصلی ترین دلیل این دیدگاه همان توقیفی بودن است.

۲. توقیفی بودن قرائات

ابن جزری، هر یک از این قرائات را در مقایسه با دیگری، درواقع و حقیقت امر، حق و صحیح می داند. در این باره می نویسد: هر یک از اختلاف قرائاتی که صحت صدور آن ها از رسول خدا ﷺ به ثبوت رسیده باشد، قبول آن واجب است و هیچ کس از ائمه قرائات امت حق ندارد، آن را رد کند و ایمان به آن لازم است. به این صورت که همه قرائات از نزد خداوند نازل شده است؛ زیرا هر قرائتی از بین این قرائات نسبت به دیگری مانند آیه ای نسبت به آیه دیگر است که ایمان داشتن به تمام آن ها پیروی و اتباع از مضامین آن ها (چه در مرحله علم و اعتقاد و چه در مرحله عمل) واجب است و برای هیچ کس به گمان اینکه تعارضی بین قرائات وجود دارد، رها کردن یک قرائت به خاطر قرائت دیگر جایز نیست (ابن جزری، النشر فی القراءات العشر، بی تا: ۱/ ۵۱).

در کلام ابن جزری این شرط که آمده است: «هر یک از اختلاف قرائاتی که صحت صدور آن ها از رسول اکرم ﷺ به ثبوت رسیده باشد، قبول آن واجب است.» به نظر نگارنده اگر صحت صدور از رسول خدا ﷺ ثابت شود، حرف ابن جزری درست است، ولی چون همه اختلافات در این است که کدام قرائت، توسط کدام قاری درست است و لذا ابن جزری نیز در کتاب های خود اختلافات بین قراء را نقل کرده است. این اختلاف ها بین قرائات و رسم به خاطر چه اموری بین قراء به وجود آمده است؟ خود این اختلافات در ذیل برخی از نمونه های آن آمده دلیل بر یک سری تعاملات و تأثیر متقابل بین



رسم المصحف و قرائات نیست؟ به نظر می‌رسد، قول ابن جزری از یک لحاظ قابل خدشه است، چون همه این مسائل و بحث و بررسی‌ها و نوشتن کتاب‌ها در اثبات صحت صدور سند به وجود آمده‌اند، به خاطر کوتاهی برخی افراد و نیز اغراض سیاسی، عدم وجود بصیرت و علم کافی برخی از نویسندگان و راویان نقل اقوالی نسبت به قرائات رسم المصحف که این روایات ضعیف و نسنجیده باعث شدند که مستشرقان و دیگران به ساحت مقدس قرآن مجید اشکال کنند، قرآنی که حافظ آن خداست. این دیدگاه ابن جزری در نسبت به قرائات و رسم المصحف در رابطه با تعامل و تأثیرات متقابل قرائات و رسم المصحف چه نقشی ایفا نموده است؟ در ذیل به طور مختصر بحث خواهد شد.

۳. هماهنگی و موافقت قرائت با رسم الخط مصحف

ابن جزری یکی از ارکان قرائت صحیح را، موافقت قرائت با رسم الخط یکی از مصاحف عثمانی می‌داند، هرچند این موافقت احتمالی هم باشد. اگر قرائتی با رسم الخط هیچ‌یک از مصاحف عثمانی مطابقت نداشته باشد، این قرائت شاذ خواهد بود (ابن جزری، النشر فی القراءات العشر، بی تا: ۹/۱)؛ ابن مجاهد نیز این رکن «مطابقت قرائت با رسم المصحف» را معیار قرائت صحیح زیاد استفاده کرده است (ابن مجاهد، کتاب السبعة فی القراءات، ۱۴۰۰: ۱۰۷-۴۲۰-۶۸۴).

ابن انباری متوفی قرن چهارم (۳۲۸ ه.ق) می‌نویسد: «اجماع قاریان بر این است هر قرائتی که مخالف رسم المصحف باشد، باید ترک شود» (الانباری، ایضاح الوقف والابتداء فی کتاب الله عزوجل، ۱۳۹۰: ۲۸۲/۱)، پس علمای قبل از ابن جزری نیز درباره رکن مذکور (مطابقت قرائت با رسم المصحف) دیدگاه‌های خودشان را در کتاب‌ها آورده‌اند، ولی ابن جزری متوفی قرن نهم هجری قمری (۸۳۳ ق) در مراحل تاریخی این رکن (معیار مطابقت قرائت با رسم مصحف) بازنگری نهایی در مفهوم آن کرده است که دیدگاه ابن جزری تا امروز ادامه یافته است؛ همان‌گونه که ذکر شد، ابن جزری برای رسم المصحف و قرائات ده‌گانه ریشه و حیانی قائل است. از این رو برای وسعت دایره شمول معیارهای قبول قرائات سعی بر این دارد، تا همه قرائات ده‌گانه را در زمره آن قرار بدهد. برای نمونه، درباره معیار موافقت با زبان عربی، برخلاف گذشتگان خود مثل ابن خالویه (متوفی ۳۷۰ ق) و مکی بن ابی طالب (متوفی ۴۳۷ ق) وجه ضعیف را نیز مورد پذیرش می‌داند (فضلی، القراءات القرآنية، ۱۴۳۰: ۱۲۲).

ابن جزری درباره معیار مطابقت قرائت با رسم المصحف تصریح کرده است که قرائت یک کلمه حتی اگر با رسم احتمالی آن سازگار باشد، مورد قبول است. وی در النشر می‌نویسد: «هر قرائتی که با وجهی از وجوه زبان عربی موافق باشد و با یکی از مصاحف عثمانی، اگرچه به صورت احتمالی

مطابقت داشته باشد و علاوه بر آن سند درستی نیز داشته باشد، صحیح است و رد و انکار آن جایز نیست و اگر یکی از این ارکان سه گانه مختل گردد، به آن قرائت، ضعیف یا شاذ یا باطل گفته می شود؛ چه از سوی قاریان سبعه باشد، یا بزرگ تر از آنان.» (ابن جزری، النشر فی القراءات العشر، بی تا: ۹/۱).

ابن جزری برخلاف دانشمندان دوره های پیشین، از جمله فراء، ابن مجاهد و دیگران با طرح دیدگاه موافقت احتمالی و تقدیری، همه قرائات عشره مورد نظر خود را سازگار با معیار موافقت رسم المصحف معرفی کرده است. منظور از موافقت احتمالی، موافقت حداقلی در مقابل موافقت واقعی و حداکثری است. وی در توضیح دیدگاه مذکور می نویسد: موافقت قرائت با رسم المصحف در بعضی کلمات، واضح و صریح و در بعضی دیگر، تقدیری و احتمالی است در برخی کلمات همه قرائات با رسم الخط مصحف مخالفت است مانند: «السموات»، «الصلحت»، «الصلوة»، «الزکوة»، «الریوا»، و ... موافقت بعضی از قرائات با رسم المصحف به صورت قطعی و موافقت بعضی دیگر به صورت احتمالی و تقدیری است، مانند: «ملک يوم الدين» که در همه مصاحف بدون الف نگارش شده است. از این رو می توان گفت: قرائت به حذف الف؛ یعنی «ملک» (موافقت قطعی با رسم المصحف است). و «قرائت با الف»؛ یعنی «مالک» نیز به صورت احتمالی و تقدیری رسم المصحف با آن موافق است (همان: ۱۰-۱۱).

فضلی نیز می نویسد: دیدگاه مذکور - چه درباره وحیانی بودن قرائات ده گانه و چه درباره معیارهای قرائت صحیح، از جمله معیار مطابقت با رسم المصحف، - تا امروز در میان بیش تر اهل سنت ادامه داشته است (فضلی، القراءات القرآنية، ۱۴۳۰: ۱۲۱).

علامه معرفت دیدگاهی متفاوت درباره موافقت با رسم المصحف، در پذیرش قرائات دارد. وی معتقد است، به دلیل قطعی نبودن چگونگی رسم آن ها، صلاحیت معیار قرار گرفتن قرائت مطابق با رسم المصحف را ندارد. به نظر ایشان دیدگاه ابن جزری در این معیار قرائت صحیح مطابقت با رسم المصحف و اضافه نمودن قید موافقت احتمالی با رسم المصحف این معیار را بی اثر کرده است، چون در صورت موافقت احتمالی، بسیاری از قرائت های شاذ و ضعیف نیز در زمره قرائت های موافق با رسم المصحف قرار خواهند گرفت (معرفت، التمهید، ۱۴۱۰: ۲/ ۱۲۷-۱۴۴)؛ همچنین علامه معرفت درباره ارکان سه گانه قبول قرائات، مناقشه کرده است. ایشان پیروی از معیارهای سه گانه قبول قرائات را چیزی جز تقلید ظاهری خلف از سلف نمی داند. همچنین بیان کرده است که متن متواتر قرآن نسل به نسل و با تمام جزئیات در بین مسلمانان قرائت شده و نزد عموم مردم محفوظ مانده است، همان قرائتی که با قرائت عاصم به روایت حفص مطابقت دارد (همان: ۲/ ۱۴۵-۱۷۰-۱۸۲). این دیدگاه نیز



از طرف بسیاری از پژوهشگران نقد شده است که بحث از جزئیات آن در این مقاله نمی‌گنجد (ر.ک: ایزدی و ذوقی، ی‌جویی قرائت عامه در کتب تفسیری سده‌های نخست و نقش آن در ترجیح قرائت، ۱۳۹۶ ش: ۴۹-۶۶؛ همای و پوراسماعیل، «نقدی بر نوشتار القراءات فی نشأتها وتطورها»، ۱۳۸۷ ش: ۳۲-۳۴).

البته هرکدام از این دو دیدگاه قابل مناقشه هستند، دیدگاه ابن جزری در قرن نهم با آن تبحری که داشت، برای درست نمودن نظریه خودش که توقیفی بودن رسم و قرائات یک قاعده درست بوده است، نظریه ایشان قطعی نیست. اشکال علامه معرفت بر موافقت احتمالی و تقدیری ابن جزری وارد است، چون با این شرط موافقت احتمالی قرائت‌های شاذ و ضعیف نیز می‌تواند در بین قرائت‌های صحیح قرار بگیرند یا حداقل برای برخی شبه ایجاد کند، ولی در هر حال این شرط هماهنگی و موافقت قرائت با رسم الخط مصحف یکی از معیارهای قرائت صحیح است، از این شرط فهمیده می‌شود، بین قرائات و رسم المصحف تأثیر متقابل است، بالخصوص از این شرط مذکور به وضوح تأثیر رسم المصحف بر قرائات فهمیده می‌شود.

هـ. وضعیت مصاحف امصار در دیدگاه دانشمندان و ابن جزری

تأثیر قرائات در الفاظ و کلمات رسم المصحف به طور مختصر بررسی شده است. طبق دیدگاه ابن جزری و موافقان او که قائل به توقیفی بودن رسم المصحف و قرائات اند؛ یعنی هر دو از جانب، از طرف خداوند عزوجل و وحی الهی هستند، از همان ابتدای نزول آیات به رسول اکرم ﷺ قرائات وجود داشته است. مطابق این اعتقاد، دیگر جای بحث و بررسی تعامل یا تأثیر کتابت و رسم المصحف بر قرائات نمی‌ماند، چون همه قرائات بعینه برگرفته از وحی الهی توسط جبرئیل امین هستند. بر این کلام دلیل متقنی وجود ندارند، در حالی که ابن جزری و دیگران در کتاب‌های خودشان مباحث اختلافی رسم و قرائات را مطرح کرده‌اند که در ذیل ملاحظه می‌شود.

ابن مجاهد درباره عطیة بن قیس از ابوشامه می‌نویسد: عطیة بن قیس کلابی، در قرائت با ابن عامر هم‌طراز بوده است، مصاحف را طبق قرائت خود در دمشق اصلاح می‌کرد (ابوشامه مقدسی، المرشد الوجیز، ۱۳۹۵: ۱۶۲-۱۶۴). خلف نیز در مورد کسائی نقل می‌کند، هنگامی که نزد کسائی حاضر می‌شدم، او بر مردم قرائت می‌کرد و مردم مصحف‌های خودشان را طبق قرائت کسائی نقطه‌گذاری می‌کردند (ابن مجاهد، السبعة فی القرائات، ۱۴۰۰: ۷۸). از دیدگاه‌ها و نقل‌های دیگر مانند ماجرای

مخالفت ابن شنبوذ از رسم المصحف (ابوشامه مقدسی، المرشد الوجیز، ۱۳۹۵: ۱۸۷ - ۱۸۸)، می‌توان فهمید که مراد او مقیاس قرائت‌های صحیح در این زمان مطابقت با رسم المصحف بوده است ابن جزری در مورد ابن شنبوذ می‌گوید: «... ابن شنبوذ لکنه خرج عن المصحف العثماني» (ابن جزری، النشر فی القراءات العشر، بی‌تا: ۳۵/۱)؛ در این گفته، منظور از خروج از مصحف عثمانی، قرائت منسوب به ابن مسعود است و الا کم‌وزیاد کردن بعضی از حروف، مخالفت با رسم تلقی نشده است. این نقل‌ها علامت این هستند که ابن مجاهد ملتزم به رسم المصحف است، ولی خودش قرائتی را مانند «س» به جای «ص» را قبول کرده است و صد در صد به دیدگاه خود عمل نکرده است که چون قرائت «س» به جای «ص» ظاهراً مخالف رسم المصحف است. با وجود التزام آنان به رسم المصحف در مواردی به ظاهر مخالف رسم المصحف را قبول کرده‌اند. از این‌رو تمام مواردی که قرائات قُرَّاء سبعة با رسم المصحف مطابقت ندارد را قبول کرده است و به خاطر کم‌وزیاد برخی حروف آنان را رد نکرده است.

در توجیه این کار ابن مجاهد ممکن است، گفته شود: شاید ایشان اعتقاد داشت که مصاحف هم به همین نحو کتابت شده‌اند، گویا قرائات نیز مانند کتابت مصحف هستند، چون ابن مجاهد در برخی موارد می‌نویسد: «قرائتی که نقل نمودم، در مصاحف آنان به این شکلی نوشته شده است، ولی در برخی موارد اصلاً این چنین اشاره‌ای نکرده است.» به عنوان مثال در قرائت ابوعمر و «وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ» (منافقون/۱۰)؛ در کلمه «وَأَكُنْ» دانی می‌نویسد: در مصاحف به خاطر جزم بدون «واو» کتابت شده است (دانی، المقنع فی رسم مصاحف الأمصار، ۱۹۷۸: ۱۱۳) ابن جزری در «وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ» تصریح کرده‌اند که در همه مصاحف «وَأَكُنْ» بدون «واو» آمده است. در حالی که ابوعمر و «وَأَكُنْ» (با واو) خوانده است (ابن جزری، النشر فی القراءات العشر، بی‌تا: ۲۸۸/۲)

در آیه: «وَأَنْفِقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ..» (منافقون/۱۰)؛ در «باب ما اختلفت فيه مصاحف اهل الامصار» در کتابت کلمه «مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ» و «مما رزقناکم» در فصل و وصل آن اختلاف کرده‌اند، ابن جزری در مصحف خودش که پیش ارکاتی بود، با هر دوجه کتابت کرده است (ارکاتی، نثر المرجان، ۱۳۴۷: ۳۵۹/۷-۳۶۰-۳۶۱).

در آیه: «وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ» (تکویر/۲۴)؛ ابن الجزری تصریح کرده است که در همه مصاحف با (ض) است، ولی با این حال ابن کثیر، ابوعمر و کسائی و رویس با ظاء خوانده‌اند (ابن جزری، النشر فی القراءات العشر، بی‌تا: ۳۹۸/۲-۳۹۹).



در آیه: «لَا يَلْتَكُمُ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا» (حجرات/۱۴)؛ دانی نوشته است: در تمام مصاحف «یلتکم» به همین شکل است، ولی ابو عمرو با همزه‌ای که صورتش الف است، خوانده است (دانی، المقنع فی رسم مصاحف الأمصار، ۱۹۷۸: ۱۱۳).

در آیه: «قَالَ أَوْ لَوْ جِئْتُكُمْ» (زخرف/۲۴)؛ دانی از وجود «الف» قبل از «واو» در مصاحف اظهار بی‌اطلاعی کرده و می‌گوید: «ولا خبر عندنا ان ذلك كذلك مرسوم فی مصاحف أهل الشام ولا فی غیرها.» (همان: ۱۱۴) در حالی که در قرائت ابن عامر و حفص از عاصم با الف است.

در آیه: «فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا» (طه/۱۱۲)؛ رسم کلمه «یخاف» با الف است، ولی ابن‌کثیر با حذف الف خوانده است (ابن‌غلبون، التذکره فی القراءات الثمان، ۱۴۱۰: ۴۲۵). مارغنی می‌گوید: ائمه مستقیماً ملتزم به نقل از مصاحف عثمانیه نبوده‌اند، بلکه ممکن است، از خود یکی از آن مصاحف عثمانیه نقل نموده باشند، شاید نقل از مصاحف با حکایت از اجماع آن‌ها یا بدون اجماع نقل نموده باشند، از مصاحف مدینه یا مکه یا شام یا عراقی بنا بر اعتماد آنان بر این گمان که هر یک از مصاحف شهرها مطابق مصحف عثمانی شهر خود بوده است (مارغنی تونسلی، دلیل الحیران علی مورد الظمان، ۱۴۱۵: ۱۲).

طبق گفته مارغنی درباره مآخذ رسم‌المصحف نکات ذیل به دست می‌آیند: ۱. مصحفی از مصاحف عثمانیه؛ ۲. تمام مصاحف (یعنی اعم از مصاحف مکی، مدنی، کوفی، بصری و شامی)؛ ۳. گمان علمای رسم بر این بوده است که مصحف هر شهری تابع و مانند مصحف عثمانی است که به آن شهر فرستاده شده است. ظن و گمان دانشمندانی مانند دانی و دیگران که ائمه علم رسم محسوب می‌شوند، بدون توجه به این‌که این ظن و گمان بر چه پایه و معیاری به‌دست آمده است، ولی در مورد اول، مارغنی و سایر علماء رسم معتقدند که بخشی از علم رسم از خود مصاحف عثمانی با یکی از آن‌ها گرفته شده است، ولی این اعتقاد صرفاً یک ادعا است. دانی درباره بصره و کوفه می‌گوید: گروهی از اهل کوفه و بصره، گاهی قرائات شواذ را در مصاحف داخل می‌کنند و آن را با رنگ سبز نقطه‌گذاری می‌کردند و چه‌بسا قرائت مشهور صحیح را با رنگ سبز اعراب‌گذاری می‌کردند و قرائت شواذ را با قرمز (دانی، المحکم فی نقط المصاحف، ۱۴۰۷: ۲۰).

پس معلوم می‌شود، در زمان دانی (حدود اواخر قرن چهارم و اوائل قرن پنجم) در بصره و کوفه قرائات شواذ را نیز در مصاحف می‌نوشتند و ظاهراً قرائات شواذ، قرائاتی غیر از قرائات سبعة هستند. چون بعد از تسبیح ابن مجاهد تا مدت‌ها غیر از سبعة را شاذ می‌نامیدند. علاوه بر این مطلب، از نقل

دانی به دست می‌آید که در زمان وی گروهی از مردم که او آن‌ها را جاهل قلمداد کرده است، قرائات مختلفه (اعم از شاذ و غیر شاذ) را با هم در یک مصحف می‌نوشته‌اند. دانی بدون اینکه اشاره کند، این عمل در کدام منطقه رایج بود، چنین می‌گوید: زشت‌تر و قبیح‌تر از آن این است که عده‌ای از قراء و گروهی نادان از اعراب‌گذاران مصاحف، قرائات مختلف را در یک مصحف می‌نویسند و برای هر قرائت یک رنگ، غیر از سیاه قرار می‌دهند، مانند قرمز، سبز، زرد و آبی و در آغاز مصحف تذکر می‌دهند که هر رنگ مربوط به کدام قرائت است (دانی، المحکم فی نقط المصاحف، ۱۴۰۷: ۲۰).

معلوم می‌شود، در حدود قرن پنجم در بعضی از مناطق از جمله بصره و کوفه قرائات مختلف را با رنگ‌های مختلف در یک مصحف جمع می‌کردند. شاید این کار در مغرب نیز جاری و ساری بوده است، چون دانی اسم شهر خاصی را نبرده و ممکن است، منطقه خود وی یعنی مغرب و اندلس بوده باشد. از این رو معلوم می‌شود که قرائت قاریان مشهور در کتابت مصحف شهرهای آنان تأثیر داشته است. دکتر مستفید می‌نویسد: «علی القاعده باید پذیرفت، در مناطقی که قرائت ابوحاتم رواج داشته است، مانند مناطقی از ایران و علی‌الخصوص اصفهان، مصاحف آن‌ها نیز بر اساس قرائت ابوحاتم بوده است» (مستفید، تأثیر متقابل رسم و قرائات، ۱۳۸۸: ۵۰). پس تا اوایل قرن چهارم در مغرب و اندلس قرائت حمزه و پس از آن قرائت نافع و به‌ویژه روایت ورش رایج بوده است (ابن جزری، النشر فی القراءات العشر، بی‌تا: ۲۴/۱؛ اعراب سعید، القراء و القراءات بالمغرب، ۱۹۹۰: ۱۳)، بنابراین مصاحف این سرزمین‌ها نیز بر اساس این قرائات رایج کتابت می‌شده است.

ابن جزری نسبت به مناطق مختلف می‌نویسد: مردم در دمشق و سایر بلاد شام تا جزیره فراتیه و مناطق اطراف آن فقط به قرائت ابن‌عامر می‌خواندند و این کار تا حدود سال ۵۰۰ مرسوم بوده است (ابن جزری، النشر فی القراءات العشر، بی‌تا: ۲۴/۱). آنچه بیان شد، معلوم گردید، قرائات رایج آن زمان و منطقه بر کتابت اثر گذاشته است.



نمونه موارد اختلاف قرائات بین مصاحف امصار یا مناطق مختلف در آیات ذیل

در قرآن فعلی	مصاحف امصار	قرائت	مصاحف امصار	قرائت
﴿وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا﴾	مدینه، اهل کوفه مغرب، اندلس و مصر، اهل بصره و ایران	وقالوا (با واو)	شام و جزیره، حجاز (مکه)	قالوا (بدون واو)
(بقره/۱۳۲) ﴿وَوَصَّى بِهَا إِبْرَاهِيمَ﴾	اهل کوفه مغرب، اندلس (در ابتدا)، اهل بصره و ایران	با واو: «ووصی	مصاحف مدینه، مغرب، اندلس و مصر، شام و جزیره، مصاحف حجاز (مکه)	با همزه: «و اوصی
(آل عمران/۱۳۳) ﴿وَسَارِعُوا﴾	اهل کوفه، مغرب، اندلس (در ابتدا)، اهل بصره و ایران	وسارعوا	مدینه، مغرب، اندلس، مصر، شام و جزیره، حجاز (مکه)	سارعوا (بدون واو)
(آل عمران/۱۸۴) ﴿وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ﴾	شام و جزیره	وبالزبر وبالكتاب (با دو باء)	مدینه، مغرب، اندلس و مصر، اهل کوفه، مغرب، اهل بصره و ایران، حجاز (مکه)	(بدون باء)
(نساء/۶۶) ﴿مَا فَعَلُوا إِلَّا قَلِيلًا﴾	شام و جزیره	قَلِيلًا	مدینه، مغرب، اندلس و مصر، اهل کوفه، مغرب، اهل بصره و ایران، حجاز (مکه)	قَلِيلٌ
(مائده/۵۳) ﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا﴾	اهل کوفه، مغرب، اندلس (در آغاز)، اهل بصره و ایران	وَيَقُولُ (با واو)	مدینه، مغرب، اندلس و مصر، شام و جزیره، حجاز (مکه)	يَقُولُ (بدون واو)
(مائده/۵۴) ﴿مَنْ يَرْتَدَّ﴾	اهل کوفه، مغرب، اندلس (در آغاز) اهل بصره و ایران، شام و جزیره	(با ادغام) مَنْ يَرْتَدَّ	مدینه، مغرب، اندلس و مصر، حجاز (مکه)	(بفک الادغام) مَنْ يَرْتَدِّد
(انعام/۳۲) ﴿وَلِلَّذِي الْآخِرَةُ﴾	شام و جزیره	وَلِلَّذِي الْآخِرَةُ (با یک لام)	مدینه، مغرب، اندلس و مصر، اهل کوفه، مغرب،	وَلِلَّذِي الْآخِرَةُ

	أهل بصره و ایران، حجاز (مکه)			
لئن انجيتنا	مدینه، مغرب، اندلس و مصر، أهل بصره و ایران، شام و جزیره، مکه	لئن انجينا	أهل کوفه، مغرب، اندلس (در آغاز)	(انعام/ ۶۳) ﴿لَئِنْ أَتَجَانَا﴾
قَلِيلًا مَا تَذْكُرُونَ	مدینه، مغرب، اندلس و مصر، أهل کوفه، مغرب، أهل بصره و ایران، حجاز (مکه)	قَلِيلًا مَا يَتَذَكَّرُونَ	شام و جزیره	(اعراف/ ۳) ﴿قَلِيلًا مَا تَذْكُرُونَ﴾
وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِي (با واو)	مدینه، مغرب، اندلس و مصر، أهل کوفه، مغرب، أهل بصره و ایران، حجاز (مکه)	ما كنا لنهتدي (بدون واو)	شام و جزیره	(اعراف/ ۴۳) ﴿وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِي﴾
قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ (بدون واو)	مدینه، مغرب اندلس و مصر، أهل کوفه، مغرب، اندلس (در آغاز، أهل بصره و ایران، مکه	وَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ (با واو)	شام و جزیره	(اعراف/ ۷۵) ﴿قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ﴾
وَإِذْ أَنْجَيْنَاكُمْ	مدینه، مغرب اندلس و مصر، أهل کوفه، مغرب، أهل بصره و ایران، مکه	وَإِذْ أَنْجَاكُمْ	شام و جزیره	(اعراف/ ۱۴۱) ﴿وَإِذْ أَنْجَيْنَاكُمْ﴾
تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ	مدینه، مغرب اندلس و مصر، أهل کوفه، مغرب، أهل بصره و ایران، شام و جزیره	تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ (با ثبات من)	حجاز (مکه)	(توبه/ ۱۰۰) ﴿تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ﴾
وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا	أهل کوفه، مغرب، اندلس (در آغاز) حجاز (مکه)	الَّذِينَ اتَّخَذُوا (بدون واو)	مدینه، مغرب اندلس و مصر، شام و جزیره	(توبه/ ۱۰۷) ﴿وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا﴾
قُلْ سُبْحَانَ رَبِّي	مدینه، مغرب اندلس و مصر، أهل کوفه، مغرب، أهل بصره و ایران	قَالَ سُبْحَانَ رَبِّي	شام و جزیره، حجاز (مکه)	(اسراء/ ۹۳) ﴿قُلْ سُبْحَانَ رَبِّي﴾



﴿كهف/۳۶﴾ ﴿لَا جِدْنَ خَيْرًا مِنْهَا﴾	مدینه، مغرب اندلس و مصر، شام و جزیره، حجاز (مکه)	خَيْرًا مِنْهُمَا (تثنية)	اهل کوفه، مغرب، اندلس (در آغاز) اهل بصره و ایران	لَا جِدْنَ خَيْرًا مِنْهَا
(مؤمنون/۸۷) ﴿سَيَقُولُونَ لِلَّهِ﴾	اهل بصره و ایران	سَيَقُولُونَ لِلَّهِ (الف قبل از لام)	مدینه، مغرب اندلس و مصر، اهل کوفه، مغرب، شام و جزیره، مکه	سَيَقُولُونَ لِلَّهِ
(شعراء/۲۱۷) ﴿وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ﴾	مدینه، مغرب اندلس و مصر، شام و جزیره	فَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ	اهل کوفه، مغرب، اندلس (در آغاز) حجاز (مکه)	وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ
(یس/۳۵) ﴿وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ﴾	مدینه، مغرب اندلس و مصر	وَمَا عَمِلَتْ أَيْدِيهِمْ	اهل کوفه، مغرب، اندلس (در آغاز) اهل بصره و ایران، شام و جزیره، حجاز (مکه)	وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ
(زمر/۶۴) ﴿تَأْمُرُوْنَی﴾	شام و جزیره	تَأْمُرُوْنَی	مدینه، مغرب اندلس و مصر، اهل کوفه، مغرب، اهل بصره و ایران، حجاز (مکه)	تَأْمُرُوْنَی
(غافر/۲۱) ﴿أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً﴾	شام و جزیره	أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً (با کاف)	مدینه، مغرب اندلس و مصر، اهل کوفه، مغرب، اهل بصره و ایران، حجاز (مکه)	أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً
(غافر/۲۶) ﴿أَوْ أَنْ يَطْهَرَ﴾	مدینه، مغرب اندلس و مصر، اهل بصره و ایران، شام و جزیره، حجاز (مکه)	وَأَنْ يَطْهَرَ	اهل کوفه، مغرب، اندلس (در آغاز)	أَوْ أَنْ يَطْهَرَ
(شوری/۳۰) ﴿فِيمَا كَسَبَتْ﴾	مدینه، مغرب اندلس و مصر، شام و جزیره	يَمَا كَسَبَ (بدون فاء)	اهل کوفه، مغرب، اندلس (در آغاز) اهل بصره و ایران، حجاز (مکه)	فِيمَا كَسَبَتْ (با فاء)
(زخرف/۷۱) ﴿مَا تَشْتَهِيهِ﴾	اهل کوفه، مغرب، اندلس (در آغاز) اهل	مَا تَشْتَهِي	مدینه، مغرب اندلس و مصر، شام و جزیره	مَا تَشْتَهِيهِ

			بصره و ایران، مکه	
بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا	اهل کوفه، مغرب، اندلس (در آغاز)	بِوَالِدَيْهِ حَسَنًا	مدینه، مغرب اندلس و مصر، اهل بصره و ایران، شام و جزیره، حجاز (مکه)	(احقاف/ ۱۵) ﴿بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا﴾
وَالْحَبِّ ذُو الْعُصْفِ	مدینه، مغرب اندلس و مصر، اهل کوفه، مغرب، اهل بصره و ایران، مکه	وَالْحَبِّ ذَا الْعُصْفِ	شام و جزیره	(الرحمن/ ۱۲) ﴿وَالْحَبِّ ذُو الْعُصْفِ﴾
ذِي الْجَلَالِ	مدینه، مغرب اندلس و مصر، اهل کوفه، مغرب، اهل بصره و ایران، مکه	ذُو الْجَلَالِ	شام و جزیره	(الرحمن/ ۷۸) ﴿ذِي الْجَلَالِ﴾
وَكَلَّا وَعَدَ اللَّهُ (با نصب)	مدینه، مغرب اندلس و مصر، اهل کوفه، مغرب، اهل بصره و ایران، مکه	وَكَلَّ وَعَدَ اللَّهُ (با رفع)	شام و جزیره	(حدید/ ۱۰) ﴿وَكَلَّا وَعَدَ اللَّهُ﴾
اللَّهُ هُوَ الْغَنَى (با هو)	اهل کوفه، مغرب، اندلس (در آغاز) اهل بصره و ایران، حجاز (مکه)	اللَّهُ هُوَ الْغَنَى (بدون هو)	مدینه، مغرب اندلس و مصر، شام و جزیره	(حدید/ ۲۴) ﴿اللَّهُ هُوَ الْغَنَى﴾
وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا	اهل کوفه، مغرب، اندلس (در آغاز) اهل بصره و ایران، حجاز (مکه)	فَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا	مدینه، مغرب اندلس و مصر، شام و جزیره	(شمس/ ۱۵) ﴿وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا﴾

آنچه در این جدول ذکر شد، بر اساس کتاب «المصاحف»، ابن ابی داوود و کتاب «النشر فی القراءات العشر»، ابن جزری ذیل آیات موردنظر و در موارد اختلافی قول ابن جزری ترجیح داده شده است و نیز از کتاب «المقنع فی رسم مصاحف الأمصار» و کتاب «نثر المرجان فی رسم نظم القرآن» و کتاب «اتحاف فضلاء البشر» و نیز کتاب ابوداود، «مختصر التبيين لهجاء التنزيل» و همچنین کتاب همدانی، «غایة الاختصار فی قراءات العشرة أئمة الأمصار» و کتاب محمد بن احمد ازهری، «معانی القراءات» مراجعه شده است.



نتیجه

دیدگاه ابن جزری برخلاف نظریه برخی از دانشمندان که قائل به توقیفی بودن رسم و قرائات هستند؛ یعنی همه قرائات از طرف خدای متعال نازل شده و رسم المصحف متحمل این قرائات است. با توجه به چنین نظریه‌ای، دیگر جای بحث درباره علل تأثیر قرائات بر خط و کتابت قرآن معنی و مفهوم ندارد، چون رسم و قرائات هر دو متّخذ از وحی الهی هستند. نمونه‌های قرآنی از ابن جزری و دیگر دانشمندان این علم ذکر گردید که تأثیر قرائات بر رسم در آن حد ثابت می‌گردد. لازم به ذکر است که مراد از این تأثیر به معنای تحریف نیست، در مقابل دیدگاه مذکور، دیدگاه دیگری است که به توقیفی نبودن قرائات ملتزم است؛ یعنی قرائات بعدها و از طرف قراء و راویان و شاگردان آنان، به خاطر عوامل گوناگون و متعدد به وجود آمده است، قرآن دارای نصّ واحدی است و اختلاف در میان قاریان به خاطر رسیدن به آن نصّ واحد است.

ابن جزری متوفی قرن نهم هجری قمری (۸۳۳ ق) برخلاف دانشمندان گذشته - مانند ابن خالویه (متوفی ۳۷۰ ق) و مکی بن ابی طالب (متوفی ۴۳۷ ق) و... - درباره معیار مطابقت قرائت صحیح با رسم مصحف تصریح کرده است که قرائت یک کلمه حتی اگر با رسم احتمالی آن سازگار باشد، مورد قبول است. این دیدگاه مورد مناقشه قرار گرفته است، چون شبهه امکان دخول برخی از قرائات شاذ در زمره قرائات صحیح می‌گردد.

تدوین مصاحف در طول تاریخ بر اساس قرائات رایج مناطق جهان به هراندازه‌ای که باشد، بین رسم مصاحف و قرائات ارتباط و تأثیر متقابل بر یکدیگر دارند. دلیل آن قرآن‌های باقی‌مانده از این دوره‌هاست که بیان‌گر این واقعیت است که مصاحف در مشرق به قرائات‌های مختلف می‌نوشتند، ولی کتابت قرآن‌ها از قرون هفتم و هشتم به بعد به روایت حفص بیشتر شد، ولی در مغرب از همان ابتدا، مصاحف بیشتر به قراءت نافع به روایت ورش یا قالون کتابت می‌شده است. در این باره دیدگاه‌های دانشمندان و ابن جزری همراه با مثال‌های قرآنی ذکر گردید.

منابع

١. ترجمه قرآن کریم، رضایی اصفهانی، محمدعلی، مؤسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر، قم: ١٣٨٣ ش.
٢. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهاية فی غریب الحديث والأثر، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم: ١٣٨٧ ق.
٣. ابن العماد عکری الحنبلی، عبدالحی بن أحمد بن محمد، شذرات الذهب فی أخبار من ذهب، تحقیق: عبدالقادر الأرناؤوط، محمود الأرناؤوط، دار ابن کثیر، بیروت: ١٤٠٦ ق/ ١٩٨٦ م.
٤. ابن انباری، ابوبکر محمد بن قاسم، ایضاح الوقف والابتداء فی کتاب الله عزوجل، تحقیق، محی الدین عبدالرحمن رمضان، مطبوعات مجمع اللغة العربیه، دمشق: ١٣٩٠ ق/ ١٩٧١ م.
٥. ابن جزری، محمد بن محمد، النشر فی القراءات العشر، دار الکتب العلمیه، بیروت: بی تا.
٦. — غایة النهاية فی طبقات القراء، طنطا، دار الصحابة للتراث، مصر: ١٤٢٩ ق.
٧. — منجد المقرئين و مرشد الطالبین، مكتبة القدسی، قاهره: ١٣٥٠ ق.
٨. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی بن محمد بن أحمد، إنباء الغمر بأبناء العمر، تحقیق: حسن حبشی، المجلس الأعلى للشئون الإسلامية، لجنة إحياء التراث الإسلامی، مصر: ١٣٨٩ ق/ ١٩٦٩ م.
٩. ابن درستی، عبدالله بن جعفر بن درستی، کتاب الکتاب، تحقیق، إبراهيم السامرائی، عبد الحسين الفضلی، کویت، دار الکتب الثقافیه، ١٣٩٧ ق/ ١٩٧٧ م.
١٠. ابن غلبون، طاهر بن عبدالمنعم، التذکره فی القراءات، تحقیق: عبدالفتاح بحیری، الزهراء للاعلام العربی، قاهره: ١٤١٠ ق.
١١. ابن مجاهد، أحمد بن موسى بن العباس التميمی، أبو بكر بن مجاهد البغدادي، کتاب السبعة فی القراءات، محقق، شوقي ضيف، دارالمعارف، مصر: ١٤٠٠ ق.
١٢. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر، بیروت: چاپ سوم، ١٤١٤ ق.
١٣. ابوداوود، سليمان بن نجاح، مختصر التبيين لهجاء التنزيل، محقق: شرشال، احمد بن احمد، مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، المدينة المنورة: ١٤٢١ ق.



۱۴. ابوشامة، شهاب الدین عبدالرحمن بن اسماعیل، المرشد الوجیز الی علوم تتعلق بالکتاب العزیز، تحقیق، طیار آلتی قولاج، دار صادر، بیروت: ۱۳۹۵ ق.
۱۵. أركاتی، محمد غوث، نثر المرجان فی رسم نظم القرآن، بمطبعة عثمان پرس، حیدرآباد دکن: بی تا.
۱۶. ازهری، محمد بن احمد، معانی القراءات، دارالکتب العلمیة، بیروت: ۱۴۲۰ ق.
۱۷. استداتاش، محمدعلی، ساجدی، حامد، «بررسی سیر نگارش قرائات قرآن کریم»، دوفصل نامه علمی مطالعات قرآنت قرآن، ش ۱۴، بهار و تابستان ۱۳۹۹ ش.
۱۸. ایزدی، مهدی؛ ذوقی، امیر، «پی جویی قرائت عامه در کتب تفسیری سده های نخست و نقش آن در ترجیح قرائت»، پژوهش های زبان شناختی قرآن، شماره ۱۱، ۱۳۹۶ ش.
۱۹. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، دارالعلم للملایین، بیروت: ۱۳۷۶ ق
۲۰. حافظ، محمد مطیع، شیخ القراء الإمام ابن الجزری، دارالفکر، دمشق: ۱۴۱۶ ق/ ۱۹۹۵ م
۲۱. خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، تهران، دوستان، ناهید، ۱۳۷۷ ش.
۲۲. دانی، ابوعمر و عثمان بن سعید، التیسیر فی القراءات السبع، دار الکتب العلمیة، بیروت: ۱۴۲۶ ق.
۲۳. — المحکم فی نقط المصاحف، تحقیق: عزة حسن، دارالفکر، دمشق: ۱۴۰۷ ق.
۲۴. — المقنع فی رسم مصاحف الأمصار، تحقیق، قمحاوی، محمد صادق، مکتبة الکلیات الأزهریة، قاهره: ۱۹۷۸ م.
۲۵. دمیاطی، احمد بن محمد، اتحاف فضلاء البشر فی القراءات الأربعة عشر، مطبعة دارالکتب العلمیة، بیروت: ۱۴۲۲ ق.
۲۶. رازی، محمد بن أبی بکر، مختار الصحاح، تحقیق: یوسف الشیخ محمد، المکتبة العصریة، الدار النموذجیة، صیدا، بیروت: چاپ پنجم، ۱۴۲۰ ق/ ۱۹۹۹ م.
۲۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، دار القلم، بیروت: ۱۴۱۲ ق.
۲۸. زبار عنیزان، فاطمة، منهج ابن الجزری فی کتابه غایة النهایة فی طبقات القراء/ دراسة تحلیلیة، مطبعة العهد، بغداد: ۲۰۱۸ م.
۲۹. زبیدی فیروزآبادی، محمد بن محمد، مرتضی، تاج العروس فی شرح القاموس، تحقیق،

- على شيرى، دار الفكر، بيروت: ١٤١٤ ق/ ١٩٩٤ م.
٣٠. زرقانى، محمد عبدالعظيم، مناهل العرفان فى علوم القرآن، داراحياء الكتب العربية، قاهره: چاپ سوم، ١٩٤٣ م.
٣١. زركشى، محمد بن بهادر، البرهان فى علوم القرآن، تحقيق، جمال حمدى ذهبى، ابراهيم عبدالله كردى، يوسف عبدالرحمن مرعشلى، دارالمعرفة، بيروت: ١٤١٠ ق.
٣٢. سخاوى، محمد بن عبدالرحمن، الضوء اللامع لأهل القرن التاسع، دار مكتبة الحياة، بيروت: ١٤١٢ ق/ ١٩٩٢ م.
٣٣. — الغاية فى شرح الهداية فى علم الرواية، تحقيق، أبو عائش عبد المنعم إبراهيم، مكتبة أولاد الشيخ للتراث، بى جا: ٢٠٠١ م
٣٤. سعيد إعراب، القراء والقراءات بالمغرب، دارالمغرب الإسلامى، بيروت: ١٩٩٠ م.
٣٥. سيوطى، جلال الدين عبدالرحمن بن ابى بكر، الانتقان فى علوم القرآن، تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم، مكتبة و مطبعة المشهد الحسينى، قاهره: ١٩٦٧ م.
٣٦. شنيطى، سالم محمد محمود احمد، منهج ابن الجزرى فى كتاب النشر، مع تحقيق قسم الاول وهو (من اول الكتاب إلى نهاية باب افراد القرائات)، راهنما دكتور، ابراهيم بن سعيد بن حمد الدوسرى، رياض: ١٤٢١ ق.
٣٧. شوكانى، محمد، البدر الطالع بمحاسن من بعد القرن السابع، تحقيق، محمدحسن حلاق، دار ابن كثير، دمشق: ٢٠٠٨ م/ ١٤٢٩ ق.
٣٨. صاحب بن عباد، اسماعيل بن عبادالصاحب، المحيط فى اللغة، عالم الكتب، بيروت: ١٤١٤ ق.
٣٩. ضباغ، على محمد، سمير الطالبين فى رسم وضبط الكتاب المبين، المكتبة الازهرية للتراث، قاهره: ١٤٢٠ ق.
٤٠. غانم قدورى، الحمد، رسم المصحف دراسة لغوية تاريخية، دار عمار، عمان، اردن: ١٤٢٥ ق ترجمه: يعقوب جعفرى، رسم الخط مصحف، انتشارات اسوه، ١٣٧٦ ش.
٤١. فراهيدى، خليل بن احمد، كتاب العين، نشر هجرت، قم: چاپ دوم، ١٤٠٩ ق.
٤٢. فرماوى، عبد الحى، رسم المصحف بين المؤيدين و المعارضين، مكتبة الازهر للطباعة و النشر و التوزيع، قاهره: ١٣٩٧ ق.



۴۳. فضلی، عبدالهادی، القراءات القرآنية، مركز الغدير، بيروت: ۱۴۳۰ ق.
۴۴. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، دار الكتب العلمية، بيروت: ۱۴۱۵ ق.
۴۵. کلینی، محمد بن یعقوب، أصول الکافی، ترجمه مصطفوی، تهران: ۱۳۶۹ ش.
۴۶. مارغنی تونس، ابراهیم بن احمد، دلیل الحیران علی مورد الظمان، دارالکتب العلمیه، بيروت: ۱۴۱۵ ق.
۴۷. مرتضوی، سید ابراهیم، طیب حسنی، سید محمود، «دیدگاه زمخشری در مورد قرائات»، مطالعات قرائت قرآن، دوره ۷، ش ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۹۸ ش.
۴۸. مستفید، حمیدرضا، جزوه تأثیر متقابل رسم و قرائات، مجتمع آموزش عالی امام خمینی ره، قم: سال تحصیلی ۱۳۸۸.
۴۹. معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم: ۱۴۱۰ ق.
۵۰. مکی، ابومحمد بن ابی طالب حموش قیسی، الابانة عن معانی القراءات، ناشرون، بيروت: ۱۴۳۲ ق.
۵۱. نویری، محمد بن محمد، شرح طيبة النشر فی القرائات العشر، دار الكتب العلمية، منشورات محمد علی بیضون، بيروت: ۱۴۲۴ ق / ۲۰۰۳ م.
۵۲. همامی، عباس؛ پوراسماعیل، احسان، «نقدی بر نوشتار "القراءات فی نشأتها وتطورها"»، پژوهش نامه قرآن و حدیث، شماره ۴، ۱۳۸۷ ش.
۵۳. همدانی، حسن بن احمد، غایة الاختصار فی قراءات العشرة أئمة الأمصار، مصحح: طلعت، اشرف محمد فواد، دار الصحابة للتراث، طنطا- مصر: ۱۴۲۷ ق.

Resources

١. The Holy Quran, Translated by Muhammad Ali Rezaei Esfahani, Dar al-Dikr Cultural Research Institute, Qom, ٢٠٠٤.
٢. Abu Dawud, Suleiman bin Najah, Mukhtasar al-Tabieen li Hija' al-Tanzil, Researched by Sharshal, Ahmad bin Ahmad, Majma' al-Malik, Fahd li Taba'ah al-Mushaf al-Sharif, Al-Madinah al-Munawara: ١٤٢١ AH.
٣. Abu Shammah, Shahab al-Din Abd al-Rahman bin Isma'il, al-Murshid Al-Wajiz ila Uloom Tataa'laqu bi al-Kitab al-Aziz, Researched by Tayyar Alati Qolach, Dar Sader, Beirut: ١٣٩٥ AH.
٤. Arkati, Muhammad Ghawth, Nathr al-Marjan fi Rasm Nazm al-Quran, Matbu'ah Osman Press, Hyderabad Deccan: n.d.
٥. Azhari, Muhammad bin Ahmad, Ma'ani al-Qira'at, Dar al-Kitab al-Ilmiyyah, Beirut: ١٤٢٠ AH.
٦. Damiaati, Ahmad bin Muhammad, Ithaf Fuzala al-Bashar fi al-Qira'at al-Arba'ah Ashar, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut, ١٤٢٢ AH.
٧. Dani, Uthman bin Saeed, Al-Muhkam fi Nuqat al-Masahif, Researched by Izza Hassan, Dar al-Fikr, Damascus: ١٤٠٧ AH.
٨. _____, Al-Muqni' fi Rasm Masahif al-Amsar, Researched by Qomhawi, Muhammad Sadiq, Maktabah al-Kulliyat al-Azhariyyah, Cairo, ١٩٧٨.
٩. _____, Al-Tayseer fi al-Qira'at al-Sab, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: ١٤٢٦ AH.
١٠. Dhabba', Ali Muhammad, Samir al-Talibeen fi Rasm al-Kitab al-Mubin, Maktabah al-Azhariyyah li al-Turath, Cairo: ١٤٢٠ AH.
١١. Farahidi, Khalil bin Ahmad, Kitab al-'Ayn, Hijrat Publications, Qom: ١٤٠٩ AH.
١٢. Farmawi, Abd al-Hayy, Rasm al-Mushaf bayn al-Maiyyideen wa al-Mu'aridheen, Maktabah al-Azhar for Printing, Publishing and Distribution, Cairo: ١٣٩٧ AH.



۱۳. Fazli, Abdul Hadi, Al-Qira'at al-Quraniyyah; Tarikhuha wa Ta'rifuah, Dar al-Ghadir, Beirut: ۱۴۳۰ AH.
۱۴. Firuz Abadi, Muhammad ibn Ya'qub, Al-Qamoos Al-Muhit, Dar Al-Kitab Al-Alamiya, Beirut: first edition, ۱۴۱۵ AH
۱۵. Ghanem Qaduri, Al-Hamd, Rasm of the Mushaf: A Historical Linguistic Study, Dar Ammar, Oman, Jordan: ۱۴۲۵ AH; Translated by Yaqub Ja'fari, Rasm al-Khat Mushaf, Uswa Publications, ۱۹۹۷
۱۶. Hafiz, Muhammad Muti', Sheikh al-Qurra' al-Imam bin al-Jazari, Dar al-Fikr, Damascus: ۱st Edition, ۱۴۱۶ AH / ۱۹۹۵ AD.
۱۷. Hamdani, Hassan bin Ahmad, Ghayah al-Ikhtisar fi Qira'at al-Asharah Aimah al-Amsar, Edited by Tala't, Ashraf Muhammad Fuwad, Dar al-Sahaba li al-Turath, Tanta - Egypt: ۱۴۲۷ AH.
۱۸. Homami Abbas & Pourismai'l, Ehsan, "A Critique of the Writing of "Al-Qira'at fi Nasha'tiha wa Tatuwwuriha"", Research Journal of Quran and Hadith, No. ۴, pp. ۲۳-۳۶, ۲۰۰۸.
۱۹. Ibn al-Imad Akri al-Hanbali, Abd al-Hajj bin Ahmad bin Muhammad, Shazarat al-Zahab fi Akhbar min Zahab, Researched by Abd al-Qadir al-Ornawot, Dar Ibn Kathir, Bierut, ۱۹۸۶.
۲۰. Ibn Anbari, Abu Bakr Muhammad bin Qasim, Izah al-Waqf wa al-Ibdida' fi Kitab Allah Azza wa Jalla, Researched by Mohi-ud-Din Abdul-Rahman Ramadan, Matbu'at Majma' al-Lughah al-Arabiyyah, Damascus: ۱۳۹۰ AH / ۱۹۷۱ AD.
۲۱. Ibn Athir, Mubarak Ibn Muhammad, Al-Nihayah fi Gharib al-Hadith wa al-Athar, Ismailian Press Institute, Qom: ۱۳۸۷ AH.
۲۲. Ibn Drustuwayh, Abdullah bin Ja'far bin Drustuwayh, Kitab al-Kitab, Researched by Ibrahim al-Samarai, Abd al-Hussein al-Fadhli, Kuwait, Dar al-Kitab al-Thaqafiya, ۱۳۹۷ AH / ۱۹۷۷ AD

٢٣. Ibn Ghalbun, Tahir bin Abdul Moneim, Al-Tazkirah fi al-Qira'at, Researched by Abdul Fattah Buheiri, Al-Zahra li al-A'lam al-Arabi Cairo: ١٤١٠ AH.
٢٤. Ibn Hajar Asqalani, Ahmd bin Ali bin Muhammad bin Ahmad, Inba' al-Ghamr bi Anba' Umr, Researched by Hassan Habashi, Al-Majlis al-A'la li al-Shuwon al-Islamiyyah, Lujnah Ihya al-Turath al-Islami, Cairo, ١٩٦٩.
٢٥. Ibn Jazari, Muhammad bin Muhammad, Al-Nashr fi al-Qira'at al-Ashr, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Bierut, n.d.
٢٦. _____, Ghayah al-Nihayah fi Tabaqat al-Qurra', Tanta, Dar al-Sahabah, Cairo: ١٤٩٨ AH.
٢٧. _____, Munjid al-Muqieen wa Mushid al-Talibeen, Maktabah al-Qudsi, Cairo: ١٣٥٠ AH.
٢٨. Ibn Manzur, Muhammad bin Makram, Lisan al-Arab, Dar Sader, Beirut: ٣rd Edition, ١٤١٤ AH.
٢٩. Ibn Mujahid, Ahmad bin Musa bin al-Abbas al-Tamimi, Abu Bakr bin Mujahid al-Baghdadi, Kitab al-Saba'h fi al-Qira'at, Researched by Shawqi Zaif, Dar al-Ma'arif, Egypt: ١st Edition, ١٤٠٠ AH.
٣٠. Izadi, Mehdi; Zoqi, Amir, "The Pursuit of Popular Recitation in the Commentary Books of the First Centuries and Its Role in the Preference of Recitation", Linguistic Research of the Qur'an, No. ١١, ٢٠١٧.
٣١. Johari, Ismail Ibn Hammad, Al-Sihah Taj al-Lughah wa Sihah al-Arabiyyah, Dar El Ilm Lilmalayin, Beirut: ١st Edition, ١٣٧٦ AH.
٣٢. Khorramshahi, Bahauddin, Encyclopedia of Quran and Quranic Studies, Tehran, Dostan, Nahid, ١٩٩٨.
٣٣. Kulayni, Muhammad bin Ya'qub, Usul al-Kafi, Translated by Mustafawi, Tehran: ١st Edition, ١٩٩٠.
٣٤. Makki, Abu Muhammad bin Abi Talib Hamush Qaysi, Al-Ibanah an Ma'ani al-Quran, Nashiron, Beirut: ١٤٣٢ AH.



۳۵. Marefat, Muhammad Hadi, Al-Tamhid fi Ulum al-Quran, Seminary Managemnt, Qom, ۱۴۱۰ AH.
۳۶. Marghani Tunisizi, Ibrahim bin Ahmad, Dalil al-Heiran al Mawrid al-Zama'an, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: ۱st Edition, ۱۴۱۵ AH.
۳۷. Murtazavi, Seyyed Ibrahim, Tayyeb Hassani, Seyyed Mahmoud, Zamakhshari's Viewpoint Concerning the Recitation, Quran Recitation Studies, pp. ۲۱۷-۲۴۰, Vol. ۷, No. ۱۲, Spring and Summer ۲۰۱۹.
۳۸. Mustafid, Hamidreza, The Interaction of Rasm and Recitation; Class Notes, Imam Khomeini Higher Educational Complex, Qom: Academic Year ۲۰۰۹-۲۰۱۰.
۳۹. Nuweiri, Muhammad bin Muhammad, Sharh Tayyibah al-Nashr, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Muhammad Ali Bayzun Publications, Beirut: ۱۴۲۴ AH / ۲۰۰۳ AD.
۴۰. Ostadtash, Muhammad Ali, Sajedi, Hamed, The Study of the Process of Writing the Recitations of the Holy Quran, Bi-quarterly Scientific Journal, Quran Recitation Studies, pp. ۲۱۷-۲۴۰, Vol. ۱۴, Spring and Summer ۲۰۲۰.
۴۱. Raghin Esfahani, Hussein bin Muhammad, Mufradat Alfaz al-Quran, Dar al-Qalam, Beirut: ۱st Edition, ۱۴۱۲ AH.
۴۲. Razi, Muhammad bin Abi Bakr, Mukhtar al-Sihah, Researched by Yusuf al-Sheikh Muhammad, Al-Muktabah al-Asriya, Al-Dar al-Numouzajiyah, Saida, Beirut: ۵th Edition, ۱۴۲۰ AH / ۱۹۹۹ AD.
۴۳. Saeed I'rab, Al-Qurra' wa al-Qira'at bi al-Maghrib, Dar Al-Maghrib al-Islami, Beirut: ۱۹۹۰.
۴۴. Sahib bin Ibad, Isma'l, bin Abd al-Sahib, Al-Muhit fi al-Lughah, Alam al-Kutub, Bierut, ۱۴۱۴ AH.
۴۵. Sakhawi, Muhammad bin Abd al-Rahman, Al-Dhaw al-Lami' li Ahl al-Qarn al-Tasi', Dar al-Maktabah al-Hayat Bierut, ۱۴۱۲ AH/۱۹۹۲ AD.

٤٦. _____, Al-Ghayah fi Sharh al-Hidayah fi Ilm al-Riwayah, Researched by Abu Haish Abd al-Muni'm Ibrahim, Maktabah Awlad al-Sheikh li al-Turath, n.l., ٢٠٠١.
٤٧. Shanqiti, Salām Muhammad Mahmud Ahmad, Ibn al-Jazari's Method in the Book "Al-Nashr", the First Part (From the Beginning to the End of the Chapter on the Reciters), The Supervisor: Dr. Ibrahim bin Sa'eed bin Hamad al-Dusari, Riyadh: ١٤٢١ AH.
٤٨. Shawkani, Muhammad, al-Badr al-Tali' bi Mahasin min ba'd al-Qarn al-Tasi', Researched by Muhammad Hassan Hallaq, Dar Ibn Kathir, Damascus: ٢٠٠٨ AD / ١٤٢٩ AH.
٤٩. Suyuti, Jalal al-Din Abd al-Rahman bin Abi Bakr, Al-Itqan fi Ulum al-Quran, Researched by Muhammad Abu al-Fadl Ibrahim, Maktabah wa Matba'ah al-Mashhad al-Hosseini, Cairo: ١٩٦٧.
٥٠. Zabar Uneizan, Fatima, "An Analytial Study of Ibn al-Jazari's Method in His Book "Ghayah al-Nihayah fi Tabaqat al-Qurra"", Al-Ahd Press, Baghdad: ٢٠١٨.
٥١. Zabidi Ferozabadi, Muhammad bin Muhammad Murtada, Taj-ul-Arus min Jawahir-ul-Qamus, Researched by Ali Shiri, Dar al-Fikr, Beirut: ١٤١٤ AH/١٩٩٤ AD.
٥٢. Zarkashi, Muhammad bin Bahadur, Al-Burhan fi Ulum al-Quran, Researched by Jamal Hamdi Dhahabi, Ibrahim Abdullallah Kurdi, Abdul Rahman Mara'shli, Dar al-Ma'rifah, Beirut: ١٤١٠ AH.
٥٣. Zurqani, Muhammad Abd al-Azeem, Manahil al-Irfan fi Ulum al-Quran, Dar Ihya al-Turath al-Arabiyyah, Cairo: ٣rd Edition, ١٩٤٣.